

بسمه تعالی

دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده علوم اجتماعی

گروه پژوهش اجتماعی

عنوان رساله دکتری

بررسی جامعه شناختی تمایز پذیرش سازمان های نظامی از نهاد سیاسی

استاد راهنما

دکتر حسن سرایی

اساتید مشاور

دکتر محمد حسین پناهی

دکتر محمد عبد الهی

پژوهشگر

محمد جواد نصراله زاده ماسوله

۱۳۸۷ / ۴ / ۴

تاریخ ارائه

تیرماه ۱۳۸۶

۹ ۵۴۹۹

۹ ۵۴۹۹

## چکیده پژوهش

این تحقیق، در مورد "تمایز پذیری سازمان‌های نظامی از نهاد سیاسی" از سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷ در ایران می‌باشد.

با توجه به ادبیات و مبانی نظری که مشتمل بر مباحث کلی تمایز پذیری، نحوه ارتباط سازمان نظامی با نهاد سیاسی، سازمان، مشخصات و کارکردهای آن و نیز شرایط جهانی بود، تمایز پذیری با دو متغیر عمده‌ی "رسمی‌شدن" و "حرفه‌ای‌شدن" مشخص شد. سه شاخص "تقسیم کار سازمانی"، "نحوه ارتقاء سازمانی" و "سیستم تشویق و تنبیه" برای رسمی‌شدن و دو شاخص "آموزش‌ها- دوره‌های تخصصی" و "کارکردهای سه گانه" برای حرفه‌ای‌شدن در نظر گرفته شد. روش تحقیق رساله، روش "تطبیقی- تاریخی" با رویکرد "نمونه‌محور" بود که در شمول پژوهش‌های کیفی محسوب می‌گردد. روش جمع آوری اطلاعات مبتنی بر اسناد و مدارک تاریخی بود که با توجه به آن، سیر تغییرات تمایز پذیری سازمان‌های نظامی ایران از نهاد سیاسی در چهار دوره انتخابی (۱۳۰۰-۱۳۲۰، ۱۳۲۰-۱۳۳۲، ۱۳۳۲-۱۳۴۲ و ۱۳۴۲-۱۳۵۷) یعنی دوره‌های پهلوی اول و دوم مورد توجه قرار گرفت. مرجع مقایسه تحقیق نیز سازمان‌های نظامی آمریکا تعیین گردید. هر چه از دوره‌های قبل به دوره‌های جدید انتخابی نزدیک می‌شویم، بعد رسمی‌شدن تمایز پذیری، توسعه و گسترش زیادی پیدا کرده است. در واقع، "تقسیم کار" شامل زیرمجموعه‌های متعدد سازمانی، رسته‌ها و مقررات سازمانی و همچنین علائم و نشان‌های نظامی، "نحوه ارتقاء سازمانی" با ظهور سیستم‌های مدرن پرسنلی (تحصیلات، آموزش، تجربه کاری) و "سیستم تشویق- تنبیه" با پایدار شدن قوانین و مقررات خاص جزایی، همین‌طور، "آموزش‌ها" و "کارکردها" تا حد زیادی با هم نزدیک‌شده و همگام پیش‌رفته‌اند. میزان و سطح کلی آموزش‌ها، گذر از آموزش‌های عمومی به آموزش‌های تخصصی را منعکس ساخته است. به تناسب تمایز پذیری در کارکردها و نوع مأموریت‌ها، آموزش‌ها و دوره‌های تخصصی نیز، گسترش زیادی یافته است. شبیه همین فرآیند در سازمان‌های نظامی ایالات متحده نیز وجود داشت. اما نوع ارتباط نهاد سیاسی با سازمان‌های نظامی و ساختار سیاسی- اجتماعی آنجا که بر عدم تمرکز دلالت دارد، سازمان‌های نظامی را علاوه بر رسمی‌شدن، به سمت حرفه‌ای‌شدن نیز سوق داد. اما در ایران، نهاد سیاسی با سیستم تمرکزی خود، اجازه‌ی حرفه‌ای‌شدن را به سازمان‌های نظامی نداد و از این‌رو سازمان‌های نظامی ایران، در فرآیند تمایز پذیری، عمدتاً در رسمی‌شدن باقی ماندند. ویژگی مهم حرفه‌ای‌شدن، استقلال نسبی در تصمیم‌گیری بود که بر خلاف سازمان‌های نظامی آمریکا، هرگز در سازمان‌های نظامی ایران، امکان بروز نیافت.

**واژه‌های کلیدی:** تمایز پذیری، تمایز پذیری ساختاری، تمایز پذیری کارکردی، حرفه‌ای‌شدن، رسمی‌شدن، سازمان نظامی، نهاد سیاسی.

# \* فهرست مندرجات \*

۳-۱۹	..... فصل اول (کلیات پژوهش)
۳	..... مدخل
۳-۶	..... طرح مسأله
۶-۷	..... اهداف تحقیق
۷-۸	..... توجیه موضوع
۸-۱۹	..... فرایند تاریخی تمایز پذیری سازمان های نظامی
۲۲-۷۴	..... فصل دوم (ادبیات و مبانی نظری پژوهش)
۲۲	..... مدخل
۲۲-۳۰	..... بررسی ها و تحقیقات پیشین
۳۰-۶۷	..... نظریات مربوط به تمایز پذیری
۶۸-۷۴	..... چهار چوب مفهومی تحقیق
۷۵-۹۷	..... فصل سوم (روش شناسی پژوهش)
۷۶	..... مدخل
۷۶-۸۸	..... تعاریف نظری و عملی مفاهیم
۸۹-۹۴	..... کاربرد روش تحقیق
۹۴-۹۶	..... دوره های مورد مطالعه و دلایل انتخاب
۹۶-۹۷	..... دلایل انتخاب کشور آمریکا
۹۸-۱۷۸	..... فصل چهارم (یافته ها- داده های تحقیق)
۹۹	..... مدخل
۹۹-۱۳۵	..... رسمی شدن
۹۹-۱۲۰	..... - دوره های انتخابی
۹۹-۱۱۶	..... - تقسیم کار سازمانی
۱۱۷-۱۱۹	..... - نحوه ارتقاء سازمانی
۱۱۹-۱۲۰	..... - سیستم تشویق و تنبیه
۱۲۱-۱۲۳	..... - جمع بندی دوره های انتخابی
۱۲۳-۱۲۶	..... - نگاه به مرجع مقایسه
۱۲۶-۱۳۰	..... - مقایسه شاخص ها و معرف ها

۱۳۱-۱۳۵	.....	- بحث و تحلیل جامعه شناختی
۱۳۵-۱۷۸	.....	حرفه ای شدن
۱۳۵	.....	- مدخل
۱۳۶-۱۶۴	.....	- دوره های انتخابی
۱۳۶-۱۵۲	.....	- آموزش ها و دوره های تخصصی
۱۵۲-۱۶۴	.....	- کارکردهای سازمان های نظامی
۱۶۴-۱۶۹	.....	- نگاه به مرجع مقایسه
۱۶۹-۱۷۳	.....	- مقایسه شاخص ها و معرف ها
۱۷۴-۱۷۸	.....	- بحث و تحلیل جامعه شناختی
۱۷۹-۲۲۸	.....	<b>فصل پنجم (جمع بندی بحث، تفسیر، نتیجه گیری و پیشنهاد)</b>
۱۸۰-۱۸۱	.....	مدخل
۱۸۱-۲۰۸	.....	تحلیل و تفسیر کلی جامعه شناختی
۲۰۹-۲۱۹	.....	نظری به سوالات تحقیقاتی
۲۲۰-۲۲۲	.....	مشارکت در جریان علمی
۲۲۳-۲۲۵	.....	پیشنادهای تحقیقاتی آینده
۲۲۵-۲۲۷	.....	محدودیت های تحقیق
۲۲۷-۲۳۴	.....	کتابنامه

# فصل اول

## (کلیات پژوهش)

۳	..... مدخل
۳-۶	..... طرح مسأله
۶-۷	..... اهداف تحقیق
۷-۸	..... توجیه موضوع
۸-۱۹	..... فرایند تاریخی تمایز پذیری سازمان های نظامی

## ۱-۱- مدخل

چند سالی است که مباحث نوگرایی، در ادبیات نوشتاری و گفتاری ما بیش از گذشته مطرح شده است. این مباحث که عمدتاً در سطوح آکادمیک و دانشگاهی رواج داشت، مدتی است در جریان عمومی جامعه نیز نضج و بالندگی یافته است. علت این پدیده را شاید بتوان با الهام از نظر آنتونی گیدنز به «فشرده شدن روابط اجتماعی در سطح جهان» (گیدنز، ۱۳۷۷: ۳-۲۲). مرتبط ساخت.

جامعه ایران هم قریب به دو سده است که با مفاهیم، اصول، پدیده‌ها و شعارهای مدرنیسم آشنا شده است و می‌توان گفت که تمامی تغییرات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در طی این دوره یا مستقیم یا غیرمستقیم ملهم از این آشنایی و پیوند ذهنی - عینی با آن بوده است. صد سال اخیر مملو از چالش، درگیری، برخورد خشونت بار و همزیستی تنش‌آلود ارکان جامعه ایرانی با پدیده‌ها و نهادهای برآمده از مدرنیسم بوده است. حتی می‌توان گفت روند تاریخی در این سالها را افراد، گروه‌ها، سازمانها یا نهادهایی رقم زده‌اند که یا مخالف ورود مدرنیسم به ایران بوده‌اند و آن را منهدم کننده ارزشها و نهادهای سنتی می‌دانستند و یا موافق مدرنیسم بوده‌اند و ارزشها و نهادهای سنتی را باعث پسرفت جامعه تلقی می‌کردند. در این روند، نقش سیاست و دولتمردان همیشه قوی بوده و بر کنشهای مختلف، تأثیرات تعیین کننده‌ای به جای گذارده است. به نظر می‌رسد یکی از محورهای اصلی این امر را باید در بکارگیری قدرت نظامی دانست. توسل به قوه قهریه در آرام کردن فضای تنش‌آلود، همیشه در تاریخ معاصر ایران حضور داشته است.

## ۱-۲- طرح مسئله

"سازمان های نظامی " به عنوان یکی از مظاهر حیات هر اجتماعی هم از جهت موضوعی و هم از جهت ساختاری با تغییرات اجتماعی همگام شده اند: از جهت موضوعی؛ سازمان های نظامی ظاهراً با تغییراتی که در

سطح هر جامعه یا در سطح سازمان های آن رخ می دهند، در شمول گذار از مرحله ماقبل مدرن به مرحله مدرن، قرار می گیرند. از جهت سازمانی؛ سازمان های نظامی معمولاً با تغییرات در سطح نهاد سیاسی تغییر می کنند و غالباً خود در بطن یا جریان اصلی این تغییرات قرار می گیرند.

نکته اساسی برای ورود به مسئله رساله که اتفاقاً مرز میان "سنت" و "مدرن" را بارز می سازد، "تمایزپذیری"<sup>1</sup> است. تقریباً تمام جامعه شناسان اذعان دارند که در مسیر حرکت جوامع به سوی نوگرایی، تمایزپذیری اتفاق می افتد، یعنی به تناسب پیچیدگی در وظایف و کارکردها در جامعه، نهادها و سازمان های مختلف و متنوع شکل می گیرند تا آن وظایف و مأموریت ها را عملی نمایند. اتفاقاً با درک تمایزپذیری در حوزه های مختلف، می توان به سطح تکاملی هر جامعه یا سازمانهای درون یک جامعه نیز پی برد زیرا میزان تمایزپذیری یکی از نشانگرهای مهم فاصله گرفتن هر جامعه از مرحله سنتی است.

آنچه از بررسی های مقدماتی بر می آید این است که سازمان مدرن نظامی ایران از بدو تشکیل (از ابتدای سلطنت پهلوی اول) نتوانست هویت کاملاً تمایز یافته را تجربه نماید زیرا به نهادسیاسی خصوصاً شخص شاه وابستگی زیادی نشان می داد. رضا شاه به عنوان یک نظامی، شخص اول کشور نیز بود و کلیه تصمیمات اساسی و حتی برنامه ریزی های عمومی در سطح سازمان نظامی را شخصاً اتخاذ می کرد. در زمان محمدرضا شاه نیز تقریباً این رویه دنبال شد و حتی اهدای درجات امیری با تصویب وی صورت می گرفت. در اینجا هم کلیه تصمیمات سازمان های نظامی از مجرای شخص او رسمیت یافته و قابل اجرا می شد.

در بررسی و دقت بیشتر پیرامون مبحث تمایز پذیری سازمان نظامی از نهاد سیاسی، به تاریخ شکل گیری و گسترش سازمان های نظامی و نیز نحوه ارتباط آنها با نهاد سیاسی در کشورهای توسعه یافته کنونی خصوصاً آمریکا توجه کردیم. به نظر می رسد غیر از دوران های کوتاه در تاریخ غرب مثلاً دوران جنبش های فاشیستی در اروپا، در

---

<sup>1</sup>differentiation

بقیه موارد، اصولاً تمایزپذیری سازمان های نظامی از نهاد سیاسی مسیر دیگری را دنبال نموده است. به عبارت بهتر، سازمان های نظامی، در درون خود با ویژگی های یک "سازمان رسمی" یا "بروکراسی" مشخص می شوند و دارای کارکردهای درون سازمانی و برون سازمانی هستند. در عین حال، نوع ارتباط آنها با نهاد سیاسی از الگوی نظام یافته و تعریف شده پیروی می کند، به شکلی که تغییر افراد در درون مجموعه و در سطح نهاد سیاسی، به کلیت هویت بخش سازمان های نظامی لطمه وارد نمی کند.

موضوع بارز در این دو مسیر تمایز پذیری (در کشورهای ایران و آمریکا با دو نوع جامعه متفاوت)، وجوه یا روند یا پدیده های مشابه و متفاوت است یعنی در هر دو سازمان نظامی درجه نظامی یا لباس همسانه وجود دارد اما نوع روابط سازمانی یا استقلال صنفی<sup>۱</sup> ممکن است متفاوت باشد. بعد از بررسی مختصر جامعه و تاریخ ایالات متحده و نیز با توجه به دیدگاه سی رایت میلز، این پرسش مطرح شد که این وجوه مشابه و متفاوت میان سازمانهای نظامی ایران و ایالات متحده ناشی از چه عوامل و شرایطی می تواند باشد؟

در بدو امر به نظر می رسد بخش مهمی از تفاوت های آن دو سازمان نظامی (در ایران و ایالات متحده) به شرایط تاریخی شکل گیری و تداوم قانونمند "نهاد سیاسی" و "سازمان نظامی" نیز مرتبط باشد. به عبارت بهتر، شاید بتوان چنین پنداشت که اگر نهاد سیاسی بطور طبیعی و با خواست اکثریت مردم یک جامعه و نیز با حمایت قوانین فراشخصی شکل گرفته باشد، از مشروعیت برخوردار خواهد بود و به تدریج ساختارها و کارکردهای خود را مطابق با آن خواست و قوانین برآمده از آن، شکل می دهد. در این حالت سازمان های نظامی نیز ساختار و کارکردهای قانونمند پیدا می کنند و کاملاً بر تحقق آنها متمرکز می گردند. نهادها و سازمان های دیگر نیز بطور طبیعی از همین الگو متابعت کرده یا با آن همراه می شوند.

<sup>1</sup> uniform

<sup>2</sup> autonomy



در جریان مطالعه و بررسی مقدماتی یک موضوع دیگر نیز ظاهر شد. به نظر می‌رسد که تمایزپذیری سازمان‌های نظامی از نهاد سیاسی به نحوه و نوع تشکیل این سازمان‌ها نیز مرتبط باشد. به عبارت بهتر، به نظر می‌رسد اگر سازمان‌های نظامی با امکانات، زمینه‌ها و شرایط داخلی در کشور ایجاد شده باشند، شاید بهتر بتوانند از عهده مأموریت‌ها برآیند چون احتمالاً در هماهنگی‌های مختلف سازمانی با نهاد سیاسی کمتر دچار تعارض و درگیری می‌شوند. اما اگر امکانات، زمینه‌ها و شرایط خارجی بر شکل‌گیری و گسترش سازمان‌های نظامی تأثیر گذار باشد، ممکن است تعارضات مختلفی در نوع و نحوه هماهنگی آن‌ها با نهاد سیاسی پیش آید. در این جا می‌توان از نظم انسجامی یاد کرد که از هماهنگی میان ساخت و کارکرد حاصل می‌گردد. در واقع، اگر سازمان نظامی یکی از اجزای نهاد سیاسی محسوب گردد، نوع کارکردی که ارائه می‌دهد، علاوه بر ساخت سازمان، به نوع ارتباط آن با نهاد سیاسی نیز با بازگشت می‌کند. اگر نهاد سیاسی، سازمان نظامی را مشروعیت دهد و این مشروعیت را به امری فراشخصی تبدیل کند، سازمان نظامی نیز با کارکرد نظم، ثبات و امنیت، میتواند خروجی مناسب نشان دهد. در حداقل تنش پیش آمده، اختلال در نظم انسجامی نیز به پایین‌ترین حد خود خواهد رسید.

با توجه به مباحث و موضوعات ارائه شده، این سئوالات مطرح می‌شود که تمایزپذیری سازمان‌های نظامی از نهاد سیاسی در ایران و امریکا چگونه است؟

وجوه تشابه و تفاوت میان این دو کشور ناشی از چه شرایطی می‌تواند باشد؟

### ۳-۱- اهداف تحقیق:

هدف اساسی این تحقیق را می‌توان در پاسخگویی به سئوالات اصلی موضوع در رساله دانست. تلاش ما بر این متمرکز می‌شود که «تمایزپذیری سازمان‌های نظامی مورد شناسایی علمی قرار گیرد و از این حرکت، نتایج و دستاوردهای عملی فراهم آید».

به طور کلی می‌توان دو هدف اصلی برای تحقیق رساله برشمرد:

۱- این هدف که عمدتاً جهت‌گیری نظری دارد، بر گسترش و تعمیق مرزهای حوزه‌های تخصصی «جامعه‌شناسی سیاسی ایران»، «جامعه‌شناسی جنگ و نیروهای نظامی در ایران» و «جامعه‌شناسی تاریخی ایران» تأکید می‌نماید.

هدف نظری تحقیق، توصیف و تبیین کلی نحوه شکل‌گیری و استمرار تمایز پذیری سازمان نظامی از نهاد سیاسی در ایران است. در ضمن، در این جهت، چگونگی ارتباط متقابل سازمانهای نظامی و نهاد سیاسی را نشان خواهیم داد. در تکمیل این هدف، به دو مجموعه «عوامل و شرایط سیاسی» در داخل و شرایط خارجی اثرگذار بر تمایز پذیری سازمانهای نظامی توجه خواهیم کرد.

۲- این هدف که عمدتاً جهت‌گیری کاربردی دارد، به استفاده و بهره‌برداری عملی از نتایج و یافته‌های تحقیق در امر برنامه‌ریزی، سیاستگذاری و تدوین راهبردهای دفاعی - نظامی، معطوف خواهد شد. هرگونه برنامه‌ریزی میان مدت و بلند مدت در زمینه سیاسی دفاعی مستلزم کسب اطلاعات مختلف در این قلمروها خواهد بود و اینگونه تحقیقات با در اختیار گذاردن آن اطلاعات و داده‌ها که با زمینه‌های تئوریک نیز غنی تر شده است، به برنامه‌ریزی و سیاستگذاری اصولی و عقلانی کمک خواهد کرد. علاوه بر این، بررسی و ارزیابی جامع و علمی از وضعیت تاریخی سازمانهای نظامی و نوع و نحوه تعامل آنها با نهاد سیاست، بسترهای مناسب حرکتها و اقدامات آینده را رقم خواهد زد. در واقع، با بررسی آنچه هست می‌توان افق‌های روشن آنچه باید باشد را پی‌ریزی نمود. به عبارت بهتر، انجام این تحقیق و تحقیقات مشابه آن، کمک زیادی به شکل‌گیری مفیدترین نوع ارتباط و تعامل میان سازمانهای نظامی و نهاد سیاسی خواهد نمود.

#### ۴-۱- توجیه موضوع

ضرورت این تحقیق را به دو بعد «علمی - پژوهشی» و «کاربردی - اجتماعی» منفک می‌نماییم:

۱- نظری: در این بعد ما به جنبه تاریخی این تحقیق و اهمیت آن در تعمیق حوزه سیاسی، نظامی جامعه‌شناسی توجه داریم. موضوع این تحقیق که در خصوص «تمایز پذیری سازمان نظامی» است، در بستر تاریخی تقابل سنت و مدرن در ایران و از اینرو، در جهت اصلی بسیاری از نظریات جامعه‌شناسی قرار می‌گیرد.

۲- کاربردی: این بعد مربوط به اهمیت و نقش نظامیان در سیاست به معنای خاص و در جامعه به معنای عام است. بنابراین، پژوهش‌هایی که مربوط به این قشر باشد، به جهت تأثیر بر موضوعات مختلف سیاسی - اجتماعی، قابل تأمل و توجه خواهد بود. این توجه در جریان و روند نوسازی سیاسی در کشورهای جهان سوم بیشتر و عمیق‌تر شده است:

دخالت نظامیان در سیاست، یکی از جنبه‌های شگفت‌انگیز و نیز عمومی نوسازی سیاسی به شمار می‌آید... نیروهای اجتماعی دیگر تنها می‌توانند بر حکومت فشار وارد آورند، اما نظامیان می‌توانند حکومت را عوض کنند (هانتینگتون، ۱۳۷۵: ۲۱-۳۱۹)

## ۱-۵- فرایند تاریخی تمایز پذیری سازمانهای نظامی

### ۱-۵-۱- ایالات متحده

در مورد نظامیان یا سازمان‌های نظامی و نقش آنها در تاریخ جهان، به نظر می‌رسد بتوان از دوره باستان که سیستم زندگی مردم، مبتنی بر کشاورزی بود تا دوره شکل‌گیری صنعت و دوره مبتنی بر اطلاعات و فناوری و ... یاد کرد. این تقسیم‌بندی تقریباً بر تقسیم‌بندی امواج سه‌گانه که در برخی از نظریات تکاملی طرح شده، منطبق است: دوره کشاورزی، دوره صنعت و دوره خدمات (فراصنعتی). البته کارل یاسپرس یک «دوره محوری» نام می‌برد که می‌تواند به عنوان دوره گذار به صنعتی شدن اولیه مورد توجه قرار گیرد. وی برخی ویژگی‌های دوران گذار به صنعتی شدن را نام می‌برد که سازماندهی و تمرکزگرایی، نقش مهمی ایفا می‌نماید (یاسپرس، ۱۳۶۳: ۷۱)

در دوره کشاورزی و تمدن‌های باستانی، «سازمان نظامی» وجود نداشت، بلکه افراد یا گروه‌هایی به تناسب شرایط، خدمات نظامی نیز ارائه می‌دادند. در برهه پیشرفته‌تر این دوره، خدمات نظامی توسط نجیب‌زادگان و در رکاب پادشاهان ارائه می‌شد. توده‌ها و قشرهای مختلف مردم اولاً در زمینه نظامی وارد نمی‌شدند و ثانیاً برخی مواقع به عنوان امکانات جنگ‌افروزی سلاطین و پادشاهان، مصرف می‌شدند. «کارل ویتفوگل می‌گوید: «به طور معمول شاه مجبور بود در هر نبرد مهمی، برای تکمیل قوا به نجیب‌زادگانش متکی باشد. پادشاه کشور فئودالی، اختیار انحصاری عملیات نظامی را در دست نداشت. به عنوان حاکم می‌توانست رعایای خود را برای مدتی کوتاه، ابتدا شاید برای سه ماه و بعد برای ۴۰ روز احضار کند و تیول داران اغلب فقط بیست یا ده روز یا حتی کمتر خدمت می‌کردند.» (تافلر، ۱۳۷۲: ۴۴)

در این دوره، از آنجایی که نیروهای ثابت نظامی وجود نداشت موضوع سازماندهی مطرح نبود و کسانی که خدمات نظامی ارائه می‌دادند. معمولاً حقوق ثابتی نداشتند و خدمات آنها بصورت جنسی پرداخت می‌شد. از آنجایی که نبردها به صورت نزدیک و اکثراً تن به تن بود، انسان‌هایی که از لحاظ جسمی قوی بودند معمولاً به عنوان فرمانده تعیین می‌شدند. ساخت دولت و قدرت سیاسی فوق‌العاده قوی و مسلط بود و همه انسان‌ها اعم از نظامیان و توده‌ها در خدمت سلاطین و درباریان و قشر ممتاز بودند. تقسیم کار در حد بسیار ابتدایی و معمولاً متغیر بود. با ظهور صنعت و نیز تولید انبوه محصولات و نیز شکل‌گیری دولت‌های مدرن که هزینه‌های تعریف شده‌ای نیز داشتند، به تدریج خدمات نظامی نیز از حالت ابتدایی و متغیر خارج شده و سازماندهی بهتری را پیدا کرد. اگر قبل از این دوره، برخورد و درگیری میان قشرهای بالای جامعه بود صورت می‌گرفت، در این دوره توده مردم هم وارد کارزار شدند.

علاوه بر این، سرسپردگی افرادی که خدمات نظامی ارائه می‌دادند به تشکیلات حاکمیتی جدید (دولت مدرن) بود و نه به خان یا بزرگ ایل، و از همین تشکیلات نیز حقوق انجام وظیفه خود را دریافت می‌کردند چنین روندی محصول همان فرآیندی بود که صنعتی شدن با خود آورده بود.

قانون ۱۸۰۸ دولت پروس شرایط لازم برای ایجاد سازمان نظامی جدید فراهم آورد و مولفه های مهم این سازمان از جمله ستاد فرماندهی و آموزش های مختلف نظامی مورد توجه قرار گرفت. اقدامات مدرن بخش سازمان های نظامی توسط دولت پروس به تدریج توسط سایر کشورهای پیشرفته صنعتی الگو برداری شد.

سازمانهای نظامی مدرن همراه با نظام وظیفه که در قرن ۱۹ ایجاد شد پویایی بیشتری پیدا کرد زیرا جنگهای وسیع و تمام عیار مثلاً جنگ میان آلمان و فرانسه در اواخر قرن ۱۹ اهمیت استفاده از نیروهای مردمی را افزایش داد. استفاده از نیروهای غیرحرفه ای برای کمک به سازمان نظامی حرفه ای و شکل گیری ارتش ملی قبلاً و در اواخر قرن ۱۸ توسط فرانسه بعد از انقلاب و جنگ استقلال آمریکا ایجاد شده بود.

ایالات متحده آمریکا همیشه دو سازمان نظامی داشته است: ۱- نیروی حرفه ای دائمی<sup>۱</sup> ۲- نیروی تکمیلی<sup>۲</sup> از سرباز شهروندان که در مواقع اضطراری خدمات موقتی<sup>۳</sup> ارائه می دادند. در زمان انقلاب آمریکا، ارتش قاره ای<sup>۴</sup> یک نیروی شبه حرفه ای بود اما شبه نظامیان<sup>۵</sup> مستعمره نشین یک نیروی تکمیلی.

در مراحل اولیه انقلاب آمریکا، تنها نیروی نظامی، شبه نظامیان مستعمره بودند<sup>۶</sup>. و این در حالی بود که ملت جدید هنوز از ظرفیت اجرایی-اداری و اقتدار مرکزی برای تشکیل "ارتش ملی" برخوردار نبود.

<sup>1</sup> permanent professional

<sup>2</sup> supplemental

<sup>3</sup> citizen-soldiers

<sup>4</sup> temporary

<sup>5</sup> continental

<sup>6</sup> militia

<sup>7</sup> the militia: an armed populace

در سال ۱۷۷۵ مقامات کنگره و خصوصاً ژنرال واشنگتن در جهت تشکیل ارتش قاره ای و نیز تبدیل آن به ارتش ملی اقدام کردند. شناسایی و تثبیت<sup>۱</sup> انواع سازمان های نظامی توسط کنگره صورت پذیرفت و این سازمان ها در اختیار دولت فدرال قرار گرفت. کنگره در ۱۷۸۴ در مورد تشکیل اولین هنگ<sup>۲</sup> آمریکا و تشکیل پیاده نظام<sup>۳</sup> و توپخانه<sup>۴</sup> قانون صادر کرد. همین طور در سال ۱۷۹۲ کنگره به تشکیل شبه نظامیان متحدالشکل صورت قانونی داد. بعد از جنگ های مختلف در آمریکا جیمز مونروئه شبه نظامیان ایالتی را کاهش داده و در عوض بر نقش ارتش منظم<sup>۵</sup> افزود. در جنگ آمریکا و مکزیک (۱۸۴۶-۸) نقش نظامیان سازمان یافته بیشتر نمودار شد. جنگ شهری در آمریکا (۱۸۶۱) یک جنگ واقعی مبتنی بر سربازان شهروند داوطلب را نمودار ساخت. بعدها گارد ملی به جای واحدهای شبه نظامی ایالتی مطرح گردید و این تشکیلات برای فرو نشاندن بی نظمی شهری خصوصاً نزاع های کارگری و نیز برای کاهش صدمات بلایای طبیعی به کار رفت.

جنگ با اسپانیا (۱۸۹۸) اصلاحات ساختاری - سازمانی را در ارتش و سایر سازمان های نظامی ایجاد کرد. سه قانون "شبه نظامی ملی" (۱۹۰۳) "دفاع ملی" (۱۹۱۶) "خدمت گزینشی" (۱۹۱۷) مبین این امر بود. سازمانهای نظامی خصوصاً ارتش آمریکا با درگیر کردن خود در موضوعات و مسائل گوناگون کشور به یک نهاد قدرتمند تبدیل شده بودند؛ ارتش آمریکا قبل از انقلاب فرانسه شکل گرفت و مفهوم مدرن "ملت از مجرای سلاح"<sup>۶</sup> را معرفی نمود. ارتش در توسعه کشور آمریکا، نقش اساسی ایفا نموده است. اکتشاف، حفاظت از مرزها، ساخت جاده ها، مهندسی، حمل و نقل، ارتباطات، ترویج اصول بهداشت، دارو و مسایل پزشکی، کنترل سیل، مشارکت

<sup>1</sup> recognizing

<sup>2</sup> regiment

<sup>3</sup> infantry

<sup>4</sup> artillery

<sup>5</sup> regular

<sup>6</sup> nation in arms

در رفاه عمومی، محافظت از نظم داخلی در زمان صلح و نیز جنگ ضد چریکی<sup>۱</sup> علاوه بر این، ارتش به عنوان مجرای برای تحرک اجتماعی گروه های محروم<sup>۲</sup> جامعه عمل نمود.

از اواخر قرن ۱۸ سازمانهای نظامی ایالات متحده امریکا بتدریج قانونمند و نهادینه گردید. نکته مهم این است که کنگره نمایندگان در زمینه تصویب قوانین مربوط به سازمان های نظامی، در نهادینه کردن این سازمان ها نقش اصلی ایفا کرد از جمله:

قانون تشکیل نیروی دریایی<sup>۳</sup> در ۱۷۷۵. قانون تشکیل تفنگداری دریایی<sup>۴</sup> در ۱۷۷۵. قانون تشکیل ارتش<sup>۵</sup> در ۱۷۷۸ (ارتش قاره ای ۱۷۷۶). قانون تشکیل دپارتمان جنگ (۱۷۸۹). قانون تشکیل دومین هنگ امریکا در ۱۷۹۱.

ارتش یک شاخه از نیروهای مسلح<sup>۶</sup> ایالات متحده است که مسئول عملیات نظامی در سطح زمین<sup>۷</sup> است. ارتش ایالات متحده امریکا متشکل است از: سربازان (فعال+ ذخیره) گارد ملی ارتش و ذخیره ارتش.

ارتش ایالات متحده امریکا عمدتاً با کارکردهایش شناخته شده است که غالباً تحت سه عنوان کلی رسته طبقه بندی می شوند.

مسئولیت حرفه ای ارتش ایالات متحده به عهده<sup>۸</sup> " رئیس ستاد ارتش " است که معمولاً با درجه ژنرالی چهار ستاره (معادل ارتشبد) انجام وظیفه می نماید. سه نوع افسر نیز در ارتش ایالات متحده وجود دارند که عبارتند از: ستوانیاران<sup>۱</sup>، افسران کادر شاغل<sup>۲</sup> و درجه داران<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> anti-guerrilla  
<sup>۲</sup> disadvantaged  
<sup>۳</sup> NAVY  
<sup>۴</sup> marine corps  
<sup>۵</sup> army  
<sup>۶</sup> armed force  
<sup>۷</sup> land-based  
<sup>۸</sup> army chief of staff

جوان ترین شاخه نیروی مسلح ایالات متحده که در سال ۱۹۴۷ استقلال سازمانی یافت ، نیروی هوایی<sup>۴</sup> است (شاخه هوایی ارتش در سال ۱۹۰۷ ایجاد شده بود) . قانون امنیت ملی در همان سال در متمم خود مأموریت های تفنگداران دریایی را در چهار محور و عمدتاً جنبه تکمیل کنندگی نیروی دریایی ، مصوب نمود .

در تاریخ نظامی آمریکا ، واحدهای شبه نظامی در کنار ارتش حرفه ای ، نقش مهمی در تحولات و تغییرات داشته است . طبق تعریف دایره المعارف ویکیپدیا<sup>۵</sup> و منطبق بر ماده ۱ (بخش ۸) قانون کنگره ایالات متحده آمریکا، این واحدها سه مأموریت اجرای قوانین ایالتی، فرونشاندن شورشها و دفع تهاجم دارد . طبق قانون اساسی ، رئیس جمهور فرمانده نیروهای مسلح است<sup>۶</sup> و نیز رئیس شورای امنیت ملی . در هر دو مورد رئیس جمهور با رئیس ستاد مشترک<sup>۷</sup> برای هماهنگی طرح ها و راهبردهای نظامی مشورت می کند . روسای ستاد مشترک آمریکا به موجب قوانین امنیت ملی مصوب ۱۹۴۷ و ۱۹۴۹ به وجود آمده اند . البته قبل از جنگ جهانی اول و در ۱۹۰۰ ستاد نیروی دریایی و نیز در ۱۹۰۳ ستاد عمومی جنگ عملاً فعالیت داشتند اما بعد از جنگ جهانی دوم نقش ستادهای برنامه ریزی کننده جنگ بسیار برجسته تر شد . روسای ستاد مشترک عبارتند از :

روسای چهار شاخه سازمان های نظامی آمریکا (نیروهای زمینی، دریایی، هوایی و تفنگداران دریایی) همراه با رئیس ستاد وزیر دفاع . بعد از جنگ جهانی دوم هری ترومن از کنگره مصوبه دپارتمان دفاع ملی را گرفت . دپارتمان دفاع بر سایر دپارتمان های نظامی مانند دپارتمان ارتش ، دپارتمان نیروی هوایی و

<sup>1</sup> warrant officer

<sup>2</sup> officer commissioned

<sup>3</sup> officer non-Commissioned

<sup>4</sup> air force

<sup>5</sup> Wikipedia

<sup>6</sup> article II, section

<sup>7</sup> Jcos



دپارتمان نیروی دریایی (نیرو + تفنگداران) اقتدار دارد. دپارتمان دفاع ملی با دپارتمان جنگ و دپارتمان نیروی دریایی ترکیب شد و به صورت زیر عملیاتی گردید:

ارتش + نیروی دریایی + تفنگداران دریایی + نیروی هوایی + آژانس های غیر رزم مانند آژانس امنیت ملی<sup>۱</sup> و آژانس اطلاعات دفاعی<sup>۲</sup>.

## ۲-۵-۱- ایران

قدرت تمدن ایران به هزاران سال پیش بر می گردد. در زمانهای نخستین، اقوام آریایی و هندی زندگی مشترکی در مرز ایران داشته‌اند و بعدها آریاییان با مهاجرت‌های بزرگ، راه زندگی خود را جدا کردند. اقوام و قبایل مختلف، نوع و شیوه زندگی و نیز دیدگاه‌های تعصب آمیز را که مبتنی بر خون، نژاد، قبیله بود رقم می‌زدند. همین امر باعث عدم آسایش پایدار در زندگی مردم شده بود. دقیقاً با این رویکرد بود که افراد و گروه‌هایی که اسلحه و تجهیزات جنگی در اختیار داشتند، مورد توجه بودند.

در واقع، این عده امکان حمله و دفاع داشتند و از این طریق، ثبات و آرامش نسبی در زندگی اجتماعی آن دوره را به ارمغان می‌آوردند. از این رو، این عده در سلسله مراتب قدرت و نیز اعتبار و منزلت اجتماعی، سیاسی، در جایگاهی مناسب قرار داشتند. محققین و مورخین عهد ایران باستان، سه طبقه یا قشر اصلی در جامعه آریایی قایل هستند: قشر بالا (روحانیون) قشر میانه (جنگجویان) و قشر پایین (کشاورزان).

از آنجایی که قدرت نظامی یک قوم یا قبیله، باعث ماندگاری اعضای آن می‌شد، رابطه بسیار نزدیکی با حاکمیت و قدرت سیاسی پیدا کرده بود. همه هویت و پیوستگی و انسجام اجتماع‌های کوچک آن دوران، با حاکمیتی رقم می‌خورد که گرایش رزم گرایانه داشت. حتی ملاحظه می‌شود که بسیاری از رؤساء فرماندهان و سلاطین در ایران زمین، با توانایی و پتانسیل قدرت جنگاوری سنجیده می‌شدند.

<sup>1</sup> NSA

<sup>2</sup> DIA

به هر حال، بعد از دوران‌های زیادی که قبایل و اقوام مختلف در عرصه جغرافیایی ایران، مداوماً با یکدیگر در جنگ و جدال بودند، دوران‌های متناوب وحدت بخش نیز رخ نمود و این امر از طریق سلسله‌های مختلف که تشکیل دولت‌های گوناگون را بازتاب می‌دادند، نمایان گردید. تا قبل از شکل‌گیری دولت پهلوی چهارده سلسله بزرگ و قابل توجه در ایران نمودار شدند: سلسله‌های ماد، هخامنشی، اشکانی، ساسانی، صفاری، غزنوی، سلجوقی، خوارزمشاهی، ایلخانی، قرايونلو، آق قویونلو، صفوی، افشاری، زندی و قاجاری.

در دوران حاکمیت مادها، جنگجویان نقش مهمی برای دفاع از حملات اقوام آشوری و سکایی ایفا نموده‌اند. امپراطوری وسیع هخامنشیان نیز با توان نظامی مناسب اداره می‌شد.

سپاهیان ارتش هخامنشی بر دو گونه بودند: ۱- سپاهیان همیشگی ۲- سپاهیان چندگانه (موقتی)

در دوران حاکمیت اشکانیان با توجه به حملات مکرر زردپوستان و رومیان از مرزهای شرقی و غربی و احساس ناامنی همیشگی، جنگاوران مورد توجه و حمایت بودند. البته برخلاف هخامنشیان، اشکانیان ارتش دائمی، و منظم نداشتند، بلکه در مواقع لزوم و هنگام جنگها، افرادی که باید در دو دسته سوارگان و پیادگان خدمت جنگی ارایه دهند، از شهرها و استانهای بزرگ کشور، جمع‌آوری می‌شدند.

در زمان دولت ساسانی مجدداً ارتش سازماندهی شده و نیرومندی نضج گرفت. اردشیر بابکان به عنوان مؤسس سلسله ساسانی، در تدبیر کشورداری و انسجام مرزها، نقش جنگاورانی را که خوب سازماندهی شده باشند، با اهمیت می‌دانست در این زمان اصطلاحاً دسته‌های مختلفی نیز در سازمان نظامی - جنگی ساسانیان شکل گرفت:

سواران (سواره‌نظام) یا اسپوارگان، پیاده (پیاده نظام) یا پایگان، جان سپاران و پیل سواران.

به علت اهمیتی که جنگاوران در ثبات و امنیت کشور داشتند، در سلسله مراتب قدرت نیز در شمول «گروه‌های قدرتمند» جامعه بودند و ارتشتاران سالاران به عنوان یک مقام مهم در امورات قانونی - اجرایی و حتی قضایی مربوط به حوزه خود صاحب نظر و منشاء اثر بوده‌اند.

بعد از حمله سپاهیان اسلام و فروپاشی دولت ساسانی، مجدداً وحدت و انسجام سیاسی که محصول سازماندهی خاص ساسانیان بود، از بین رفت و تشتت، نابسامانی و ناامنی جلوه گر شد. ایران عرصه تاخت و تاز و درگیری‌های متعدد اقوام و قبایل مختلف گردید. سده‌های سوم تا هفتم صفاریان، غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان حاکمیت یافتند و بعد از حمله مغول در سده هفتم و نیز دوران کوتاه حاکمیت آق‌قویونلوها، سلسله صفوی اعلام موجودیت کرد. دولت صفوی برای اولین بار در تاریخ ایران با جمع‌آوری و اتحاد سی طایفه و قبیله کوچک و بزرگ یک اتحادیه نظامی با عنوان «اتحادیه نظامی قزلباش» یا سرخ سرتشکیل داد.<sup>۱</sup> این اتحادیه، رویکرد مذهبی داشت و متابعت افراد از سلاطین با آن رویکرد معنا پیدا می‌کرد.

قزلباش دولت صفوی، لشکریانی منظم و متحدالشکل بودند و هم اینان با فراز و فرودهایی که داشتند به عنوان ریشه‌ها و زمینه‌ها شکل‌گیری سازمان نظامی نوین ایران، محسوب می‌شوند.

سپاه قزلباش با سلاح‌هایی نظیر شمشیر و تیر و کمان و سازماندهی ساده، شکل سنتی داشت. پس از ورود پرتغالی‌ها به جزیره هرمز و آشنایی ایرانیان با تفنگ، در دوره سلطنت شاه طهماسب، دسته تفنگدار نیز بوجود آمد این دسته را به عنوان «قورچی» می‌شناختند. شاه طهماسب و بسیاری از فرماندهان نظامی دو تحول سازمانی در اتحادیه قزلباش ایجاد کردند. سپاه ایران در این دوره دارای تشکیلات زیر بود:

۱- مستحفظان سلطنتی (قوللر (سواره نظام)، تفنگچیلر (بیاده نظام)، توپچیلر (توپخانه))

۲- سپاهیان دولتی (هنگهای محلی یا (سپاهیان ایلات و ولایت)، هنگهای قورچی یا (تفنگچیان مرزها))

بعد از اینکه شاه عباس به سلطنت رسید کشور ایران در تهاجم دائمی از سوی عثمانیان بود. شاه عباس نیروی قزلباش را که هم شکل سنتی داشت و هم در تصمیم‌گیری‌های وی مداخله می‌کردند برای مقابله مناسب نمی‌دید. از این رو، با نزدیکی به انگلستان قرار بر این شد که آموزش نظامیان قزلباش به شیوه اروپایی و توسط دو برادر یعنی سرآنتونی شرلی و رابرت شرلی صورت گیرد. شاه عباس از این امکان جدید استفاده کرده و سپاه

۱- روی کلاه این عده، ۱۲ خط یا ترک به نیت ۱۲ امام قرار داشت.

جدیدی با عنوان شاهسون (دوستانان شاه) ایجاد کرد که هم زیر نظر مستقیم خود او باشند و هم از نفوذ سنتی قزلباش بکاهد. در زمان شاه عباس سه مسئله نظامی سپاه آن زمان یعنی سازمان، فنون و وظایف دچار تغییر گردید. در سپاه شاهسون علاوه بر نفرات داخل ایران از مناطق ارمنستان، گرجستان، تاجیکستان و حتی عثمانی نفراتی در سپاه بکار گرفته شدند. نکته مهم در زمان شاه عباس این بود که وجه مذهبی - ایدئولوژیک مجموعه نظامی تغییر یافت و حتی تعلقات سازمانی کم فروغ شد زیرا افرادی که در سپاه انجام وظیفه می‌کردند از دولت حقوق می‌گرفتند. در زمان شاه عباس پیاده نظام، سواره نظام و توپخانه مستقیماً از طریق سپهسالار زیر نظر شاه انجام وظیفه می‌کردند.

اداره این تشکیلات مخصوصاً از لحاظ مالی و پس از آنکه پرداخت مواجب افراد آن در عهده حکومت قرار گرفت. به سازمان مالی منضبطی نیاز داشت و لذا شغل «مستوفی سرکار قورچیان» ایجاد شد ...

بعد از جنگهای طولانی با عثمانیان و نیز بی‌تدبیری سلاطین و راحت‌طلبی فرماندهان قشون و اختلاف زیاد میان مسئولین مملکتی، پیشرفت‌های قابل توجهی که در سپاه ایران ایجاد شده بود متوقف شده و سربازان که حقوق نمی‌گرفتند با حمله به مردم و اماکن آنها ناامنی را دامن می‌زدند. نتیجه طبیعی این امر قدرت گرفتن مجدد ایلات و عشایر قدرت فوق‌العاده پیدا کردند و در این میان دو قبیله افشار و زند قدرت بیشتری یافتند.

نادرشاه با جمع‌آوری افراد و تشکیلات به جا مانده از دوران گذشته و بازسازی مجدد آنها، به وضعیت جنگجویان عصر خود سر و سامان بخشید وی با ادغام قشون عشایر و روستاییان مختلف روش دسته‌بندی خاصی ابداع کرد. مانند ۱۰ سرباز معادل یک جوقه یا ۱۰ جوقه معادل یک دسته و.....

نادرشاه کارخانه‌های اسلحه‌سازی و باروت‌سازی را رونق داد و سعی کرد لباس متحدالشکل نیز به سپاه ایران پوشاند. وی همچنین در پرداخت حقوق و مزایای سپاهیان دقت فراوان می‌کرد. در زمان وی سربازگیری به همان روش سنتی (از ایلات و عشایر) و نیز بصورت داوطلبانه انجام می‌شد.